

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

بررسی تطبیقی عالم مثال از دیدگاه سهروردی و علامه طباطبایی

استاد راهنما:

دکتر منصور ایمانیپور

استاد مشاور:

دکتر سهراب حقیقت

پژوهشگر:

زینب اسلامی

بهمن/۱۳۹۲

تبریز/ایران



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فلسفه و حکمت اسلامی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

بررسی تطبیقی عالم مثال از دیدگاه سهروردی و علامه طباطبایی

استاد راهنما:

دکتر منصور ایمانیپور

استاد مشاور:

دکتر سهراب حقیقت

پژوهشگر:

زینب اسلامی

بهمن/۱۳۹۲

تبریز/ایران

تقدیم

بار خدایا! از تو به سبب دانش و علمت که به همه چیز آگاهی، در خواست خیر دارم. پس بر محمد و آلش درود فرست و خیر و نیکی برایم مقدر ساز و شناسائی اختیار و برگزیدن آن چه را که برایم مقدر فرموده‌ای به من الهام بفرما و آن را سبب خوشنودی به قضایت و تسلیم به حکم و رضایت قرارده. نگرانی، شک و دودلی را از ما دور کن و به یقین اهل خلوص راهنمائی و تأیید بفرما و مارا دچار فرو ماندگی از معرفت آنچه برایمان اختیار کرده ای مکن، که تقدیر تورا سبک نشماریم و آنچه مورد پسند تو است ناپسند بدانیم و به کاری که انجام و فرجام نیکی ندارد و به نکبت و شقاوت نزدیک تر است روی آوریم و کار مارا به آنچه عاقبتش پسندیده تر و آخرش ارجمند تر است پایان ده، چرا که تو عطاهای با ارزش و نعمت های بزرگ عطا می کنی و آن چه اراده فرمائی انجام می دهی و بر هر کاری قادر و توانائی. و انت علی کل شی قدیر.

تقدیم به سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما رو سفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدرم

مادرم

استادانم

سپاس و تقدیر

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و مورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آن جایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از استاد با کمالات؛ جناب آقای دکتر منصور ایمانپور که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی

این پایان نامه را بر عهده گرفتند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر سهراب حقیقت که زحمت مشاوره‌ی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

بوسه می‌زنم بر دستان پدر و مادر عزیزم که توانستم زیر سایه مهربانی و صبوری‌هایشان در راه کسب علم و دانش قدم بردارم. هم‌چنین تشکر می‌کنم از برادران عزیز و خواهران و خواهرزاده‌های مهربانم، به پاس کمک‌های بی‌دریغ و دلگرمی‌های بی‌پایان‌شان، که بهترین پشتیبان من بودند.

و در پایان از هم‌اتاقی‌های خوبم، کسانی که پیشه‌شان مهربانیست، خانم‌ها سوسن قادری، سپیده قزوینه، طاهره خدامرادی و مریم صیدی نهایت سپاسگزاری را دارم. از دوست مهربانم خانم فاطمه صاحبی که طی این دو سال، زحمات‌های زیادی برایم کشیده و همواره با مهربانی و صبوری در کنارم بوده نهایت تشکر را دارم.

زینب اسلامی

تبریز / ایران

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	یک

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه و بیان مسئله	۲
۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق	۴
۳-۱. اهداف پژوهش	۴
۴-۱. سوال ها و فرضیه ها	۵
۱-۴-۱. سوال ها	۵
۲-۴-۱. فرضیه ها	۵
۵-۱. پیشینه موضوع	۶

فصل دوم: مبانی عالم مثال از دیدگاه

شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی

۱-۲. مبانی عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی	۹
۱-۱-۱. مبانی وجود شناختی شیخ اشراق سهروردی در باب عالم مثال	۹
۱-۱-۱-۱. مفهوم نور و ظلمت (محوریت نور)	۹
۲-۱-۱-۲. تقسیمات نور و ظلمت	۱۰
۳-۱-۱-۲. تشکیک و ذو مراتب بودن حقیقت نور	۱۱
۴-۱-۱-۲. نظریه صدور و اشراق و مشاهده در نگاه شیخ اشراق سهروردی	۱۲
۱-۴-۱-۱-۲. نورالانوار و نور اول	۱۳
۲-۴-۱-۱-۲. انوار قاهره طولیه و عرضیه و انوار مدبره	۱۴

- ۲-۱-۱-۳. صُورَ مَعْلَقَه یا عَالَمِ اشْبَاحِ بَا مُثَلِّ مَعْلَقَه (عَالَمِ مِثَالِ)..... ۱۵
- ۲-۱-۲. مَبَانِی مَعْرِفَتِ شَنَاخْتِی از مَنظَرِ شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی در بَابِ عَالَمِ مِثَالِ..... ۱۵
- ۲-۱-۲-۱. نَظَرِ شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی در بَابِ قُوَهٗ خِیَالِ..... ۱۶
- ۲-۱-۲-۲. نَظَرِ شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی در بَابِ ادْرَاکَاتِ خِیَالِ..... ۱۸
- ۲-۱-۲-۳. نَظَرِ شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی در بَابِ رُؤِیْتِ و ادْرَاکِ شَهودِی..... ۱۹
- ۲-۲. مَبَانِی عَالَمِ مِثَالِ از دِیدگَاهِ عَلامَه طِباطِبایی..... ۲۱
- ۲-۲-۱. مَبَانِی و جُودِ شَنَاخْتِی عَلامَه طِباطِبایی در بَابِ عَالَمِ مِثَالِ..... ۲۲
- ۲-۲-۲. اصَالَتِ و جُودِ..... ۲۲
- ۲-۲-۲-۱. تَشْکِیکِ و ذُو مَرَاتِبِ بُودَنِ و جُودِ..... ۲۳
- ۲-۲-۲. مَبَانِی مَعْرِفَتِ شَنَاخْتِی عَلامَه طِباطِبایی در بَابِ عَالَمِ مِثَالِ..... ۲۴
- ۲-۲-۲-۱. نَظَرِ عَلامَه طِباطِبایی در بَابِ قُوَهٗ خِیَالِ..... ۲۴
- ۲-۲-۲-۲. نَظَرِ عَلامَه طِباطِبایی در بَابِ ادْرَاکَاتِ خِیَالِ..... ۲۵
- ۳-۲. مَقایِسه مَبَانِی شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی و عَلامَه طِباطِبایی در بَابِ عَالَمِ مِثَالِ..... ۲۸

فصل سوم: حقیقت و ادله و علت عالم مثال از دیدگاه

شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی

- ۳-۱. پِشِینَه‌ی نَظَرِیهِ ی عَالَمِ مِثَالِ، بَرزَخِ..... ۳۲
- ۳-۲. چِستی عَالَمِ مِثَالِ از دِیدگَاهِ شَیخِ اشْرَاقِ سَهْروردِی..... ۳۵
- ۳-۲-۱. احْکامِ کَلِی اَقْلِیمِ هِشْتَمِ (عَالَمِ مِثَالِ)..... ۳۸
- ۳-۲-۱-۱. شَهرِ هَای عَالَمِ مِثَالِ..... ۳۹
- ۳-۲-۱-۲. طَبَقَاتِ و مَرَاتِبِ آن..... ۴۱
- ۳-۲-۱-۳. اعْرَاضِی هَمچُونِ اصْوَاتِ، نَدَاهَا، بُوها، مَزَه‌ها و اشْکالِ..... ۴۲
- ۳-۲-۱-۴. نَدَاشْتَنِ مَحَلِ و مَکانِ و زَمانِ..... ۴۴

- ۴۵.....۳-۲-۱-۵. قائم بالذات بودن.....
- ۴۵.....۳-۲-۱-۶. ندشتن ضیق و تنگنایی.....
- ۴۵.....۳-۲-۱-۷. نداشتن ضدیت و تراحم.....
- ۴۶.....۳-۲-۲. هویت نوری عالم مثال.....
- ۴۸.....۳-۳. اذله عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی.....
- ۵۰.....۳-۴. علت فاعلی عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی.....
- ۵۰.....۳-۵. چیستی عالم مثال از دیدگاه علامه طباطبایی.....
- ۵۴.....۳-۶. اذله عالم مثال از دیدگاه علامه طباطبایی.....
- ۵۴.....۳-۶-۱. اذله عقلی بر وجود عالم مثال.....
- ۵۶.....۳-۶-۲. اذله نقلی بر وجود عالم مثال.....
- ۵۶.....۳-۶-۱-۱. دلالت قرآن بر وجود عالم مثال.....
- ۵۸.....۳-۶-۲-۲. دلالت روایات بر وجود عالم مثال.....
- ۵۹.....۳-۷. علت عالم مثال از دیدگاه علامه طباطبایی.....
- ۶۰.....۳-۸. مقایسه نظرات شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی در باب حقیقت، اذله و علت عالم مثال.....

فصل چهارم: لوازم نظریه عالم مثال از دیدگاه

شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی

- ۶۴.....۴-۱. لوازم وجود شناختی عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی.....
- ۶۴.....۴-۱-۱. ارتباط عالم اشباح مجرد (مثال)، با مافوق و مادون از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی.....
- ۶۶.....۴-۱-۲. توجیه معجزات انبیاء و کرامات اولیاء.....
- ۶۷.....۴-۱-۳. توجیه و اثبات وجود جنّ و شیاطین.....
- ۶۹.....۴-۱-۴. تبیین و توجیه معراج پیامبر.....

- ۴-۱-۵. تبیین حقیقت وجود جبرئیل، ملائکه و ظهور مهمانان ابراهیم..... ۶۹
- ۴-۲. لوازم معرفت شناسی عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی..... ۷۰
- ۴-۲-۱. تبیین و توجیه اطلاع مغیبات، امور غیبی و تبیین کیفیت وحی و رؤیای های صادقانه..... ۷۰
- ۴-۲-۲. تبیین صور آینه ها و مرایا..... ۷۳
- ۴-۲-۳. تبیین و توجیه سیر و سلوک عارفان و متوسطان..... ۷۲
- ۴-۳. لوازم معاد شناسی از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی..... ۷۴
- ۴-۳-۱. تبیین قیامت و بعث اجساد..... ۷۵
- ۴-۳-۲. تبیین و توجیه بهشت و دوزخ..... ۷۷
- ۴-۴. لوازم وجود شناختی عالم مثال از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۷۸
- ۴-۴-۱. ارتباط عالم برزخ (مثال) با مافوق و مادون از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۷۹
- ۴-۴-۲. تبیین و توجیه قدر..... ۸۱
- ۴-۵. لوازم معرفت شناسی عالم مثال از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۸۱
- ۴-۵-۱. تبیین و توجیه ادراکات خیالی..... ۸۲
- ۴-۵-۲. تبیین حقیقت خواب و رؤیا..... ۸۳
- ۴-۶. لوازم معاد شناسی از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۸۵
- ۴-۶-۱. تبیین تجسم اعمال..... ۸۵
- ۴-۶-۲. تبیین مؤاخذه بازرسان قبر (سوال و جواب) و فراخ یا عذاب قبر..... ۸۵
- ۴-۶-۳. توجیه مصاحبت شیطان با دوستانش در قبر..... ۸۵
- ۴-۶-۴. تبیین آتش و نسیم در قبر..... ۸۶
- ۳-۶-۵. بشارت و عدم بشارت..... ۸۷

۶-۶-۴. تجسّم ارواح در برزخ..... ۸۷

۶-۶-۷. دیدار مُردگان با خانواده‌هاشان..... ۸۸

۶-۶-۸. تبیین بهشت و جهنم..... ۸۸

۶-۷. مقایسه لوازم نظریه عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی و علّامه طباطبایی..... ۹۰

نتیجه گیری..... ۹۳

منابع و مآخذ

منابع فارسی..... ۹۷

منابع عربی..... ۹۹

چکیده:

عالم مثال (عالم برزخ) بین عالم مجرد محض و عالم ماده قرار دارد، از خصوصیات عوالم فوقانی و تحتانی بهره‌مند است و در واقع عالم اوسط را تشکیل می‌دهد. این عالم، نخستین بار توسط شیخ اشراق سهروردی با نام، اشباح مجرّده و مُثُل معلّقه به فلسفه اسلامی راه یافته است. به عقیده وی عالم مثال، مجرّد مثالی و از سنخ جوهر است، زیبایی‌هایش فوق تصور، نغمات و روایحش غیر قابل توصیف و درک آنها به واسطه حواس ظاهری غیر ممکن است و دارای شهرهایی است که از آنها تحت عنوان جابلقا، جابرصا و هورقلیا یاد شده است. نظر شیخ اشراق سهروردی در باب مادی بودن قوه خیال، منجر به نفی مثال صعودی می‌شود و فقط به عالم مثال منفصل که در قوس نزول ایجاد شده است معتقد است. علامه طباطبایی عالم مثال را مرتبه‌ای از وجود می‌داند که فاقد ماده می‌باشد، اما آثار ماده از قبیل شکل، مقدار، وضع و غیر آن را دارد و در این عالم، صورت‌های جسمانی با اعراض و هیئت‌های کمالی جسمانی وجود دارد. وی علاوه بر مثال منفصل، به مثال متصل -که مبنایش را تجرّد قوه خیال می‌داند- نیز معتقد است. علامه طباطبایی با مجرّد دانستن این قوه، توانسته است بسیاری از مشکلات موجود در باب خواب‌های کاذبه، معاد جسمانی و... را مرتفع و عوالم برزخی در قوس صعود را اثبات کند. شیخ اشراق سهروردی مبنای وجود شناسی عالم مثال را، نظام نوری و سلسله مراتب نور (عوالم هستی) می‌داند و ادراکات خیالی، رؤیت و ادراک شهودی را به عنوان مبنا و اصول معرفت شناسی عالم مثال به شمار آورده است. علامه طباطبایی در درون دستگاه فلسفی‌اش علاوه بر مبنای وجودشناختی، یعنی اصالت وجود، تشکیک و ذو مراتب وجود، تجرّد قوه خیال و ادراکات خیالی را مبنای معرفت‌شناختی قلمداد کرده است. شیخ اشراق سهروردی در اثبات عالم مثال منفصل علاوه بر شهود صوفیانه از براهین عقلی همچون صورت‌های مرآت‌ی و صورت‌های خیالی و خواب بهره جسته است. علامه طباطبایی نیز علاوه بر ارائه برهان عقلی قاعده امکان اشرف، تشکیک و اصالت وجود و ادراکات حضوری، با استناد به آیات و روایات نیز به اثبات عالم مثال پرداخته است. شیخ اشراق سهروردی علت فاعلی عالم مثال را برخی از عقول متکافئه که آنها را عقول عرضیه و متکافئه می‌نامد، به شمار آورده است، اما علامه طباطبایی علت فاعلی عالم مثال را عقل فعّال می‌داند. هر دو فیلسوف بسیاری از معتقدات دینی از جمله کیفیت وحی و رؤیای صادقه، تبیین و توجیه معراج پیامبر، تبیین و توجیه ادراکات خیالی، تبیین و توجیه قدر، چگونگی اطلاع غیبی به سبب منامات، کیفیت بهشت و دوزخ، بازگشت ارواح و بسیاری از معضلات مربوط به اصل معاد، همچون احوال نفوس انسانی بعد از مفارقت از بدن و تبیین تجسم اعمال و... را از لوازم این عالم می‌دانند. اگرچه کاستی‌هایی در نظریه شیخ اشراق سهروردی در باب عالم مثال و بخصوص مثال متصل وجود دارد. اما هر دو فیلسوف با اعتقاد به عالم مثال و ارائه مبنای و دیدگاه‌هایی فلسفی، راهگشای بسیاری از مسائل معرفت‌شناسی، معادشناسی و وجودشناسی بوده‌اند و بسیاری از مشکلات دینی و عرفانی و فلسفی را حلّ و فصل کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: عالم مثال، مُثُل معلّقه، قوه خیال، شیخ اشراق سهروردی، علامه طباطبایی، عوالم هستی.

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه و بیان مسئله

بحث عالم مثال، یکی از مهم‌ترین مباحث در فلسفه، کلام و عرفان اسلامی است که همواره خاطر حکما، متکلمان، عرفا و فیلسوفانی همچون شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی را به خود مشغول داشته است. این فیلسوفان به بیان و دفاع از وجود این عالم پرداخته‌اند و آثاری را تدوین کرده‌اند.

این عالم که فاقد ماده، ولی دارای برخی خصوصیات و عوارض آن می‌باشد میان عالم طبیعت و عالم عقول قرار دارد و در واقع عالم اوسط را تشکیل می‌دهد.

یکی از واژه‌هایی که هم در فلسفه و هم در آموزه‌های دینی کاربرد زیادی دارد واژه برزخ است. در آموزه‌های دینی آنگاه که از فردای دیگر سخن به میان می‌آید، عالم برزخ آشکارا خود را نشان می‌دهد. این عالم گام نخستین زندگی ابدی است و هرکس که عمرش به پایان می‌رسد ناگزیر در این عالم تا روز رستاخیز خواهد ماند. برزخ هم در آموزه‌های دینی و هم از نگاه برخی فلاسفه و عرفای اسلامی مرتبه‌ای از هستی است که کارکردهای گوناگونی دارد. این عالم را می‌توان در فلسفه افلاطون پی‌گرفت. افلاطون برای پیوند میان عالم معنا و ماده، عالم ریاضیات را مطرح می‌کند که با عالم مثال از منظر شیخ اشراق سهروردی همانندهای بسیاری دارد. وجود چنین عالمی در میان مراتب نظام هستی ضروری است و نمی‌توان از آن چشم پوشید؛ زیرا از نظر هستی‌شناسی وجود این عالم برای پیوند عالم معنا و ماده ضروری است؛ از این رو فلاسفه مسلمان به ویژه شیخ اشراق سهروردی در آثار خود درباره‌ی اثبات چنین عالمی و شرح چگونگی آن به قدر وسع کوشیده‌اند.

شیخ اشراق سهروردی که مبتکر عالم مثال منفصل و کارکردهای آن در قلمرو فلسفه اسلامی است، در تحلیل کیفیت صور خیالی و تجرد آن، به اثبات عالم مثال پرداخته است و عالم مثال را از نظر مرتبه وجودی، عالمی برتر و فراتر از عالم غاسقات و در مرحله‌ای فروتر از عالم انوار می‌داند

(یزدان پناه، ۹۱) و با تعبیر اقلیم هشتم، عالم مثال را جهان وسیط، جهان تصاویر و صور مثالیه می‌داند (کرین، ۲۲۰).

این عالم معمولاً به اقلیم هشتم که پشت کوه قاف قرار دارد شهرت یافته است، این اقلیم به علت غیر مادی بودن در نقشه جغرافیایی مادی نمی‌گنجد و ورای هفت اقلیم است. موجودات خیالی و مثالی آن، واقعیت‌هایی هستند که فراتر از مکان و زمان هستند و شیخ اشراق سهروردی با ادله و برهان، وجود این عالم را به اثبات رسانده است. بررسی دقیق و جامع این عالم از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی فقط در «حکمة الاشراق» امکان پذیر است؛ زیرا تنها در این کتاب است که شیخ اشراق سهروردی آن را از لحاظ وجود شناسی و معرفت شناسی به صورت مفصل مطرح نموده است. وی در «حکمة الاشراق»، جایگاه این عالم را در دار هستی آشکار ساخته است و آن را دارای دو بخش ظلمانی و نورانی می‌داند. در بخش نورانی آن، متوسطین و در بخش ظلمانی، نفوس شریره و ناقص قرار دارند. از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی این عالم که با عالم مثل افلاطونی متفاوت است از عالم جسمانی اشرف است؛ زیرا هر آنچه که در عالم جسمانی یافت شود در آن عالم با کیفیتی عالی‌تر وجود دارد و زیبایی‌هایش فوق تصور، نعمات و روایحش غیر قابل توصیف و درک آنها به واسطه حواس ظاهری غیر ممکن است و دارای شهرهایی است که از آنها تحت عنوان جابلقا، جابرسا و هورقلیا یاد شده است. برای این جهان، شرق و غربی متصور شده است که جانب غربی آن در تاریکی است و به عالم محسوس نزدیک است و جانب شرقی آن به عالم عقول نزدیک است. این عالم همان است که در معاد شناسی اسلامی به آن عالم برزخ می‌گویند.

علاوه طباطبایی نیز با تبحر کامل در علوم عقلی و نقلی، مسئله‌ی عالم مثال را مبرهن و روشن ساخته است. وی عالم مثال را مرتبه‌ای از وجود می‌داند که ماده ندارد؛ اما آثار ماده مانند کم، کیف و وضع را دارا می‌باشد و فاقد قوه و استعداد، حرکت و تغییر می‌باشد و ترتیب آنها ترتیبی وجودی و دارای فعلیت محض می‌باشد (طباطبایی، بدایه...، ترجمه و شرح شیروانی، ۱۸۶/۴).

هر دو فیلسوف جایگاه عالم مثال را بین عالم مجرد محض و عالم ماده می‌دانند که دارای حقیقت مجرد مثالی و از سنخ جوهر است و بسیاری از معتقدات دینی از جمله کیفیت وحی و الهام انبیاء، چگونگی اطلاع غیبی از طریق منامات، سعادت و شقاوت نفوس، کیفیت بهشت و دوزخ، بازگشت ارواح و بسیاری از معضلات مربوط به اصل معاد، همچون احوال نفوس انسانی بعد از مفارقت از بدن و ... را از لوازم این عالم می‌دانند و برای آن، ادله قائل هستند و این موارد از وجوه اشتراک دیدگاه این دو فیلسوف در باب عالم مثال می‌باشد.

شیخ اشراق سهروردی علت وجودی عالم مثال را برخی از عقول متکافئه که آنها را عقول عرضیه می‌نامد، به شمار آورده است (یزدان پناه، ۹۰) و نیز معتقد است عالم مثال همان مثال منفصل است که در قوس نزولی ایجاد شده است (همو، ۱۹۶)، اما علامه طباطبایی با مبنای خودش، علت عالم مثال را عقل فعال می‌داند (طباطبایی، نهایتاً...، ۳۱۷) و علاوه بر مثال منفصل به مثال متصل نیز معتقد است که در قوس صعودی ایجاد می‌شود (همو، ۳۲۲) و دلایل نقلی که برای اثبات عالم مثال قائل می‌باشد این است که با ضمیمه کردن دو آیه "و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم" (حجر، ۲۱) "و کل شی هالک الا وجهه" (قصص، ۸۸)، در نظام هستی، یک عالم الهی موجود می‌باشد که واجد اندازه و مقدار است و قبل از عالم طبیعت قرار دارد، چون دارای اندازه و مقدار است عالم عقل نمی‌تواند باشد و این همان عالم مثال است که ما بین عالم ماده و عقل قرار گرفته است (همو، رسائل ...، ۱۶۴-۱۶۳).

این پژوهش در صدد آن است تا نظریه عالم مثال در نظر شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی را با عنایت به مبانی و لوازم آن تحلیل نماید و وجوه اشتراک و افتراق دو منظر و نظر فلسفی را تشریح نماید.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی با توجه به قرابت‌های زیادی که در مورد مسئله‌ی عالم مثال دارند هر کدام دارای رویکردی خاص هستند و از آنجا که شیخ اشراق سهروردی دارای رویکرد شهودی و عقلی و علامه طباطبایی دارای رویکرد عقلی و نقلی در باب عالم مثال هستند، لذا برای روشن شدن مسایل ذیل، بررسی و تطبیق آرای این دو فیلسوف در مورد عالم مثال ضروری و دارای اهمیت می‌باشد.

- آیا مبانی و دیدگاه شیخ اشراق سهروردی در اثبات عالم مثال و کارکردهای آن با مبانی و دیدگاه علامه طباطبایی متفاوت است؟

- آیا حقایقی که شیخ اشراق سهروردی به عالم مثال مرتبط می‌داند علامه طباطبایی نیز آنها را مرتبط با آن عالم می‌داند؟

۱-۳. اهداف پژوهش

- بیان دلایل و مبانی برای اثبات عالم مثال و اینکه با چه براهینی بسیاری از حقایق و اعتقادات دینی را به این عالم نسبت می‌دهند.

- معرفی کارکردهای عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی.

- تدقیق و بررسی بیشتر در براهین شیخ اشراق سهروردی به عنوان مبتکر عالم مثال منفصل.

۱-۴. سؤال‌ها و فرضیه‌ها

۱-۴-۱. سؤال‌ها:

۱. حقیقت عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی چیست؟

۲. وجوه اشتراک و افتراق نظر شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی در باب عالم مثال چیست؟

۳. لوازم نظریه عالم مثال چیست؟

۱-۴-۲. فرضیه‌ها:

۱. شیخ اشراق سهروردی عالم مثال را اقلیم هشتم می‌نامد که در آنجا شهرهایی به نام جابلقا، جابرصا و هورقلیا وجود دارد که دارای شگفتی‌هایی می‌باشند. وی آن عالم را بین عالم ماده و عالم نور می‌داند و قائل است که در نظام اشراقی هر چه در عالم و نشئه مادی وجود دارد باید در نشئه مثالی هم باشد. وی برخی از صورت‌های مثالی را مستنیر و برخی دیگر را ظلمانی می‌داند (بیزدان پناه، ۲۲۰).
علامه طباطبایی عالم مثال را به عنوان مرتبه‌ای از هستی، میان عقل و عالم ماده و طبیعت می‌داند (طباطبایی، بدایه...، ۱۷۷). وی در باب عالم مثال بر این باور است که آن عالم، عالمی است که فاقد ماده می‌باشد اما آثار ماده را از قبیل: شکل، مقدار، وضع و غیر آن را دارا است (البته همه‌ی آثار ماده در عالم مثال وجود ندارد؛ مثلاً قوه و استعداد نیز از آثار ماده است، ولی در آن عالم وجود ندارد و مقصود تنها برخی از آن آثار و لوازم آنها است، نه همه‌ی آنها) و در این عالم، صورت‌های جسمانی، اعراض و هیئت‌های کمالی جسمانی وجود دارد، اما ماده‌ای که حامل قوه و استعداد باشد در آن عالم وجود ندارد (همو، نه‌ایه...، ترجمه و شرح شیروانی، ۸۱/۳).

۲. هر دو فیلسوف به عالم مثال به عنوان عالمی مستقل در هستی قائل هستند که شیخ اشراق سهروردی حقیقت عالم مثال را از طریق شهود و براهین عقلی و علامه طباطبایی این عالم را از طریق براهین عقلی و نقلی (آیات و احادیث) اثبات می‌کند. شیخ اشراق سهروردی مبنای عالم مثال را بر حقیقت نوریه و علت ایجاد آن را عقول متکافئه می‌داند؛ اما علامه طباطبایی مبنا را بر تشکیک وجود و بحث علیت گذاشته است و علت ایجاد آن را عقل فعال می‌داند و دیگر اینکه شیخ اشراق سهروردی معتقد است عالم مثال همان مثال منفصل است که در قوس نزول ایجاد شده است، اما علامه طباطبایی علاوه بر مثال منفصل به مثال متصل نیز معتقد است که در قوس صعود ایجاد می‌شود.

۳. شیخ اشراق سهروردی بعد از تثبیت این عالم، بسیاری از حقایق و لوازم مرتبط با آن را از جمله صور خیال، صور موجود در آینه، خواب، اطلاع بر مغیبات، کرامات و معجزات، توجیه قیامت، بعث اجساد، تبیین کیفیت وحی و رؤیای صادق و... را شناسایی کرده است (یزدان پناه، ۲۰۱) و علامه طباطبایی نیز حقایقی مثل عالم ذر، لوح، قلم، سعادت و شقاوت، ملائکه و شیاطین را از لوازم عالم مثال می‌داند (طباطبایی، رسائل ...، ۱۶۵).

۱-۵. پیشنهاد موضوع

در این زمینه مقالاتی نگاشته شده به عنوان نمونه:

بررسی جایگاه عالم مثال و کارکردهای آن در حکمت سهروردی، نوشته صبورا حاجی علی اورک پور (دانشگاه امام صادق واحد خواهران).

از قوه خیال تا حضرت مثال (جایگاه مثل در فلسفه سهروردی)، نوشته نفیسه اهل سرمدی مجله فلسفه و کلام و عرفان، آینه معرفت، بهار ۸۸، شماره ۱۸.

در هیچ‌کدام از مقالات بالا به طور کامل موارد تطبیقی ارزیابی نشده و فقط جایگاه عالم مثال و کارکردهای آن از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی بررسی شده است.

در این زمینه پایان نامه‌هایی نیز نگاشته شده است به عنوان نمونه:

مقایسه عالم مثال شیخ شهاب الدین سهروردی و ملاصدرا، نوشته محسن شیر محمدی با راهنمایی دکتر سید یدالله یزدان پناه در سال ۱۳۸۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقر العلوم (ع) پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی.

بررسی تطبیقی عالم مثال و ویژگی‌های آن از منظر سهروردی و ملاصدرا، نوشته احمد رضا عباس نژاد با راهنمایی کاشانی‌ها در سال ۱۳۸۹ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی دانشکده علوم انسانی.

در میان پایان نامه‌های نوشته شده نیز اثری با این عنوان موجود نمی‌باشد و فقط به دیدگاه شیخ اشراق سهروردی پرداخته شده است نه به مقایسه و تطبیق آن با دیدگاه علامه طباطبایی. در دیگر پایان نامه‌ها نیز مبانی این دو فیلسوف با دیگر فلاسفه مقایسه شده، اما در رابطه با مقایسه دیدگاه این دو فیلسوف، اثری نمی‌باشد.

فصل دوم: مبانی عالم مثال از دیدگاه
شیخ اشراق سهروردی و علامه طباطبایی

۲-۱. مبانی عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق سهروردی

یکی از بحث‌های مهم و بنیادین فلسفه‌ی شیخ اشراق سهروردی، نظام نوری است. وی بر اساس نظام نوری، بسیاری از مباحث و مسائل فلسفی را حلّ و فصل کرده است. شیخ اشراق سهروردی نخستین اندیشمندی است که نظریه نظام نوری را مطرح کرده و به مبنا بودن آن برای عوالمی اذعان داشته است. از نظر وی مبنای عالم مثال - به عنوان یکی از عوالم هستی - نظام نوری و سلسله مراتب نور است. شیخ اشراق سهروردی علاوه بر شهودهای صوفیانه با تکیه بر مبانی وجود شناختی و معرفت شناختی فلسفی خویش، وجود عوالمی از جمله عالم مثال را پی‌ریزی نموده است.

۲-۱-۱. مبانی وجود شناختی شیخ اشراق سهروردی در باب عالم مثال

محور و موضوع هستی‌شناسی شیخ اشراق سهروردی، «نور» است. وی آراء خود را در باب هستی‌شناسی، حول محور نور ارائه کرده است. عالم مثال از جنبه وجود شناختی حائز اهمیت است و از حیث جایگاه، مرتبه‌ای از عالم است که حد واسط معقولات و محسوسات است. شیخ اشراق سهروردی با توجه به مبانی وجود شناختی خود، بنای عالم مثال را پی‌ریزی نموده است. مبنای وجود شناختی وی در باب عالم مثال را می‌توان بدین صورت مورد بحث و بررسی قرار داد: مفهوم و محوریت نور، تشکیک و ذو مراتب بودن نور، نظریه صدور و اشراق و مشاهده.

۲-۱-۱-۱. مفهوم نور و ظلمت (محوریت نور)

شیخ اشراق سهروردی با توجه به مبانی فلسفی خود، نظام هستی را بر اساس نور و ظلمت مطرح کرده است. اغلب مباحث وی در باب نور در کتاب «حکمة الاشراق» آمده است که مهم‌ترین اثر فلسفه اشراقی او می‌باشد. شیخ اشراق سهروردی در قسم دوم مقاله‌ی اوّل که به مباحث نور و در ادامه به مسئله‌ی مهم عالم مثال می‌پردازد، مفهوم نور را یک امر بدیهی و بی‌نیاز (غنی) از تعریف می‌داند و معتقد است اگر در عالم هستی چیزی باشد که نیاز به تعریف نداشته باشد باید خود ظاهر